

نصرت اله فتحی

# نامه بس مهمی از عضد الملک نایب السلطنه

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

درج تقدیم داشته و بیادخوانندگان بیاورم که در اوایل مشروطه عده‌ای از شاهزادگان قاجاری بطرفداری از مجلس کمیسیون‌ی در خانه عضدالملک و برهبری او داشته‌اند و روزی که فحمدعلی میرزا به باغ شاه نقل مکان فرمودند تا مجلس را به توپ بینندند. این جناب عضدالملک با چند تن از شاهزادگان بقصد وساطت شرفیاب شدند ولی همه آنها باسئثنای مرحوم مزبور توقیف گردیدند

چون در نامه‌ای که بخط قوام السلطنه در شماره اخیر «خاطرات وحید» چاپ شده بود به اسم مرحوم عضدالملک قاجار برخوردم که سرپرستی و اداره امور جشن با شکوهی از مشروطه را بعهده داشته‌است لذا بیادم آمدن نامه‌ای که از ایشان دارم و به یکی از شخصیت‌های مشروطه خواه نوشته شده است. لازم دیدم از نظر علاقه‌ای که آن مجله باین قبیل مدارک زنده دارد برای

است فحاشی کردم لیکن حالا معلوم میشود چندان هم بد نگفته ، ابدأ روی سعادت و خوشی در این مملکت دیده نمی‌شود ، مستبد دیشویم بد ، مشروطه میشویم بدتر! خدا گواهد است با این مردم بی‌علم مامشروطه نخواهیم شد سهل است باستبداد اولی نیز بتهمرا عودت نخواهیم کرد . خسرالدنیا و الآخره ذلك هو الخسران المبین .

اعلیحضرت امپراطور روس ولینمت بی‌منت محمدعلی میرزا تلگراف کردسالی هفتاد و پنج هزار تومان برای محمدعلی میرزا کم است سالی یکصد هزار تومان بدهند . گفتیم سمنا و اطمننا .. دو سه روز قبل ام‌المؤمنین (۱) تشریف آورده بودند بفورم سالی یکصد هزار تومان میدهند به من که هجده ماه نودین و نیرین (۲) را در شکم خود پروراندم چه میدهید؟ آن یکی ام‌الخاقان هم بواسطه حضرت اقدس و الا فرمانفرما عریضه داده بود ، من که شجره طیبه این سلسله جلیله هستم در حقیقت مهد علیا و ستر کبری میباشم پسر شاه مخلوع نوه آم یکی شاهنشاه حالیه یکی ولیعهد گردون مهدچه باید بخورم؟ سالی دوازده هزار تومان در بودجه باس من باید بنویسند . البته برای ماهم که متصدی نیابت سلطنت عظمی هستیم قرار درست و آبرومندی خواهند

۱- عیال محمد علی میرزا .

۲- احمد میرزا و محمد حسن میرزا .

۳- مادر محمد علی میرزا .

ولیکن عضدالمک نخواست از آن‌ها جدا شود و جدا گفت : آماده‌ام که بصحابت آنان در زندان بمانم . که پذیرفته نگردید .

از این نامه معلوم میشود عضدالمک هنوز دق دلی دارد و عقده دلش را خالی نمیکند . چون این نامه در مقام نیابت سلطنت سلطان احمد شاه نوشته و محتوای دل‌سوخته خود را منعکس کرده است لذا دارای ارزش تاریخی و نشان دهنده وطن‌پرستی او است .

ضمناً خوانندگان عزیز بدانند که در مقاله قبلی بنده اشتباهاً اسم اتابک میرزا علی اکبر خان چاپ شده و حال آنکه آن مرحوم «میرزا علی اسفرخان» نام داشته است .

فتوحی

\*\*\*

بشرف مرض مقدس عالی میرساند .  
.... اتفاقات و مشکلات هر روزی نه بدرجه است که بتوان شرح داد هیچ قومی در زمان تغییر وضع دوچار اینهمه اشکالات نبود مثلاً قوم انگلیسی یا فرانسه روزی که با سلطان امرشان یکسره شد ، دیگر بآن سلطان سالی یکصد هزار تومان ندادند که در ممالک خارجه صرف عیش و خوشگذرانی نماید ، یا املاک خود را در مقابل پنج کروور بسلتوا گذار کند .

بدبخت مملت از نو پنج کروور بقرض خود بیفزاید ، این‌ها کلا قسمت این مردم بدبخت ایران است .. بقول ملکم خان ایران نفرین شده پیغمبر آخر الزمان است اگر چه به ملکم گفتیم : این چه حرفی

سردار اسعد وزیر داخله سردار منصور معتمد  
خاقان - نظام السلطان میرزایان سرارمنی -  
حکیم الملک - پسر حاجی علی نقی کاشی - میرزا  
میرزا علی محمد خان تبریزی - صدیق  
حضرت - نواب - حسینقلی خان - عماد -  
الحکما .

احدی اجازت دخول در این مجلس  
ندارد، زنگ دارند روی میزها يك تنگه  
آب و يك آبخوری پرازیخ هست. بر خیها  
قبل از ایراد نطق تمام آب تنگ را میخورند  
که گلوشان تر باشد. میگویند در این محافل  
در بسته از حفظ استقلال مملکت حرف زده  
میشود، خدا کند اینطور باشد ولی عرض  
کردم همه تقلیدی است همه لم جازمه است، ملک  
دارد متلاشی میشود، روسها در قزوین در  
فکر تدارک ماندن زمستان هستند جاومیکان  
برای خودشان درست میکنند، يك نفر در  
فکر ملک بود یعنی جناب مستطاب اما مجمه  
خوئی در آن مجلس شوری و آنچه میگفت  
و میکرد برای محافظت ملک بود او را هم  
بکلی کنار کرده اند بی مانع و ادع آنچه در  
کتب فرانسه و آلمانی و انگلیسی یا در  
کتب مصری از رو خوانده اند طابق الفعل  
بالنعل تقلیدش در میآورند، برای کسی که  
اندک میفهمد تحمل دیدن این حال بسیار  
دشوار است، بیست و نه کرور و چهارسدو  
نود و نه هزار نفر دیگر از سی کرور نمیدانند  
و نمیبینند و در خواب راحت منتظرند که از  
این مشروطه درخت طوبی میان قوم سبز  
خواهد شد، خوشحال اینن مردم که  
نمیدانند...

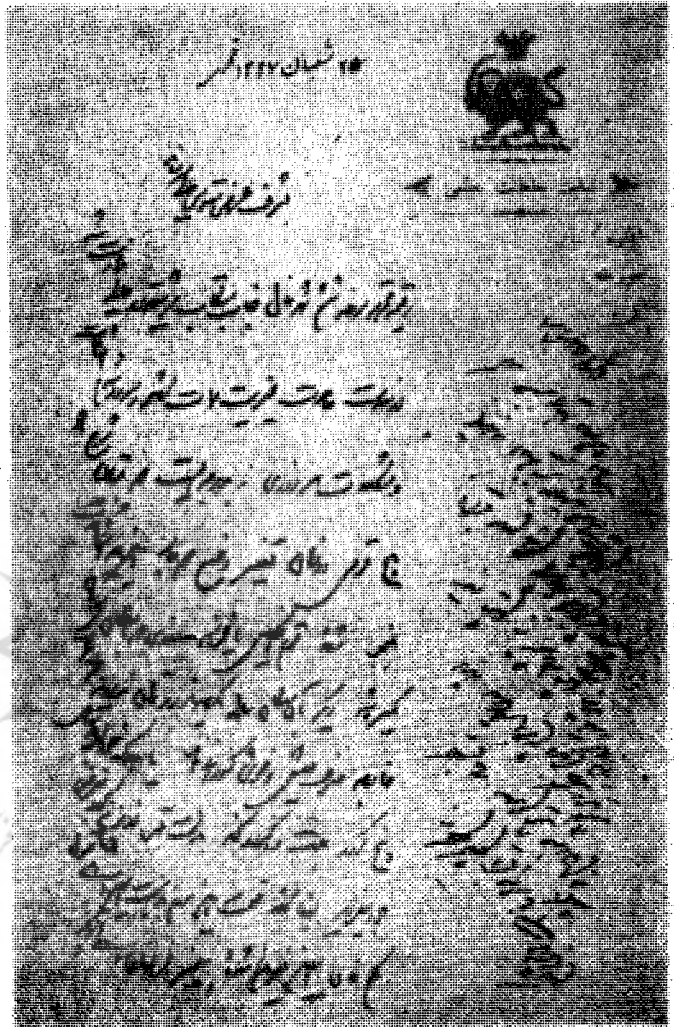
داد، پس قوم ایران باید از عهده تمام  
اینها بر آیند و دندشان نرم شود، مالیات  
از دهات ویران و خراب وارد خزانه عامره  
نمایند تا بمخارج لازمه داده شود، بحمداله  
قوم رو براه است، چه نکردیم که فرانسه‌ها  
کردند؟! رولسیون نکردیم، بروی دولت  
نه ایستادیم، مشروطه نشدیم، پارلمان  
برپا نشد، کودتا نکردند، پارلمان مارا  
بقوب نیستند، بعد دوباره مجلس نکرقتیم،  
پادشاهرا خلع ننمودیم، پادشاه جدید  
انتخاب نکردیم، مجاهد نشدیم، آخر کاری  
مجلس هیئت مدیره برپا ننمودیم؟ (مگر  
نمیدانید در فرانسه یکوقتی دیرکتوار  
بود). پس از اقوام سائره يك نقطه عقب  
نمانده ایم ولی مثال ما مثال لم جازمه است  
کلیه لفظاً عمل میکنند نه معنا، روح آنچه  
ملل سائره را بسر منزل سعادت رسانده در  
میان ما نیست و آن اتفاق است که نداریم.  
بحمداله تمالی قوم رو براه است منتهی از  
این يك قصور قوم باید غمض عین بفرمایند،  
ملل سائره در سایه این اتفاق نجات یافتند  
ماهم در سایه نفاق بدرك اسفل خواهیم رفت.  
و معنا و محققاً استقلال خود را از دست  
خواهیم داد بسیاری محتمل است که به این  
زودی‌ها تا روسها درست مسلط نشده اند يك  
جمهورییم باشیم پسر شما غیر ممکن است استمداد  
ولیاقتی در میان سائر اقوام باشد و ملت نجیب  
ایران از آن بهره نداشتنه باشد. از مجلس  
دیرکتوار عرض کنم، از چهار ساعت به ظهر  
مانده الی ظهر در عمارت شمس العماره در دو  
اطاق تو در تو درها همه بسته هیئت مدیره  
مرکب از اشخاص ذیل مجلس رسمی دارند:  
وثوق الدوله - حشمت الدوله - تقی زاده -  
حاجی سید نصراله - سپهدار اعظم -

دو نفر از اولاد خود با حاجی محمد اسمعیل مغازه ، امیر بهساد مجلل . جمعی از نوکرهای صدیق روسیه را پیش گرفت بگوشش خواندند ان الذی فرض عليك القرآن و ترل معارك . الخ، کیفی داشته است که ولین بی منت من امیر اطوار اعظم بمن عمم معین کرده که بی کرایه در آنجا خزیستن ، مرگ اولی تر است من رکه العاره، ولی یکدانه خردل غیرت در و نه این دشمن خدا و رسول نیست ، زنی خواهم بنویسم . آمدند رفتند . داستان در هفته‌های بعد زیاده عرضند

علیرضا ۲۵ شعبان ۱۳۲۷

در انقلاب مشروطه میرزا حسن واعظم معروف که میگویند گلوی او ولوله ستارخان مشروطه را بر گرداند . اغلب سخن رانیهایش محمد علی میرزا را خطاب میکرد های پسر ام الخاقان و بعد کلامش این بیت را میخواند :

افسوس که این مزرعه را آب گداهان دهقان مصیبت زده را خواب گرفته



روز پنجشنبه ۲۳ شعبان،

محمد علی میرزا عازم راه آخرت

شد ، یعنی باتفاق ام المؤمنین و